مسئله ۲۷: ملاک اعلمیت چیست؟

۱. مرحوم سید مجاهد در مفاتیح الاصول می‌نویسد:

«هل المراد بالأعلم الأكثر حفظا للمسائل أو الأشد قوة لاستخراجها أو الأكثر ترجيحا لها فيه إشكال و لم أجد مصرّحا بشيء مما ذكروا لتحقيق يقتضى الرّجوع هنا إلى العرف فكل من يطلق عليه عرفا أنه أعلم يجب الرجوع إليه إن قلنا بوجوب تقليد الأعلم»[1]

[اکثر ترجیحاً لها: کسی که بتواند در مسائل به نظر برسد و سراغ احتیاط و یا اصل عملی نمی‌رود]

۲. مرحوم سید در عروة می‌نویسد:

«المراد من الأعلم من يكون أعرف بالقواعد والمدارک للمسألة ، وأكثر اطلاعاً لنظائرها وللأخبار، وأجود فهماً للأخبار، والحاصل أن يكون أجود استنباطاً. والمرجع فی تعيينه أهل الخبرة والاستنباط.»[2]

توضیح:

۱. اعلم کسی است که استنباط فقهی بهتری دارد

۲. و این از:

یک) شناخت بهتر نسبت به قواعد

دو) شناخت بهتر نسبت به مدارک و ادله

سه) شناخت بیشتر نسبت به مسائل فقهی که شبیه یکدیگر هستند

چهار) شناخت بیشتر نسبت به روایات

پنج) فهم بهتر از روایات

حاصل می‌شود

۳. اینکه چه کسی اعلم است را اهل خبره و کارشناسان تعیین می‌کنند.

۴. مرحوم جواهری در این باره می‌نویسد:

«المراد بالأعلم هو الأوصل، و لعلّ بعض هذه الأُمور لها مدخليّة فی الأوصليّة.»[3]

(بهتر به حکم الهی واصل می‌شود)

---

[1] . مفاتیح الاصول، ص۶۳۲

[2] . العروة الوثقی، ج۱، ص۱۳

[3] . العروة الوثقی (عدة من الفقها)، ج۱، ص۲۳

۵. مرحوم فیروزآبادی درباره «اکثر اطلاعاً لنظائرها»، توجه می‌دهند که باید این بحث را به گونه‌ای تقریر کرد که با قیاس اشتباه نشود: «**مع تمیّز المناط المنقّح المقطوع بحیث لا یشتبه بالقیاس**»[1]

۶. مرحوم حکیم در مستمسک درباره «اعلم» می‌نویسد:

«الظاهر أن المراد به الأعرف فی تحصیل الوظیفة الفعلیة، عقلیة کانت أم شرعیة. فلا بد أن یکون أعرف فی أخذ کل فرع من أصله. و لا یلزم فیه أن یکون أقرب إلی الواقع. کما لا یکفی ذلک إذا کان سالکاً ما لا یجوز سلوکه من الطرق فی مقام الاستنباط غفلة منه و قصوراً، کما یوجد عند کثیر من البسطاء و لو کان معذوراً لقصوره. و أما حمل الأعلم علی معنی أکثر علما و أوسع إحاطة بالمعلومات. فهو و ان کان أقرب إلی معنی التفضیل المدلول لهیئة (أفعل) إلا أن الظاهر کونه غیر مراد القائلین بوجوب تقلید الأعلم، و لا یقتضیه الدلیل المتقدم علیه. فلاحظ.»[2]

توضیح:

۱. ملاک اعلمیت، شناخت بیشتر در تفریع بر اصل است (در همه مسائل)

۲. و ملاک اعلمیت، اقربیت الی الواقع نیست.

[ما می‌گوییم: این نظر بهترین شاهد بر آن است که ملاک اعلمیت، اقربیت الی الواقع نیست]

۳. و لذا اگر کسی دارای قولی بود که اقرب الی الواقع بود ولی از مسیر غلط (مثل رمل و علوم غریبه) حاصل شده بود، این فرد اعلم نیست ولو اینکه به سبب غفلت معذور باشد.

[ما می‌گوییم: البته این صرفاً فرض است و نمی‌توان اقربیت قول چنین کسی را احراز کرد]

۴. ملاک اعلمیت (همچنین)، «اکثریت علم و احاطه علمی» نیست (اگرچه افعل تفضیل از ماده‌ی علم چنین ظهوری دارد)، چرا که ادله‌ی وجوب تقلید اعلم، آنچه را واجب می‌کند «وجوب تقلید از کسی است که «تفریع» بهتری دارد» (و بهتر می‌تواند استدلال کند)

[1]. همان

[2]. مستمسک، ج۱، ص۳۶